



به الهام از آیه قرآن «کهکشان راه شیری» رونمایی شد

لاله اسکندری از پروژه کاشی شکسته خود با نام «کهکشان راه شیری» که با موضوع اجرام آسمانی و صور فلکی و با استفاده از آیات قرآنی اجرا شده است در تقاطع بزرگراه حکیم و کردستان رونمایی کرد. لاله اسکندری در گفت‌وگو با مهر با اشاره به اثر کاشیکاری خود با عنوان «کهکشان راه شیری» در زیر گذر تقاطع بزرگراه حکیم و کردستان گفت: در سال جدید مشغول اجرای یک پروژه شهرداری براساس تکنیک کاشی شکسته بودم که امروز دوشنبه ۲۹ اردیبهشت ماه رونمایی شد. وی درباره زمان طراحی و ساخت این پروژه گفت: ساخت این پروژه از دی ماه سال گذشته شروع شد. حدود ۲ ماه بخش کارگاهی و حدود ۲ ماه هم نصب آن به طول انجامید. در این تیم مجموعاً ۲۵ نفر مشغول به کار شدند که حدود ۱۳ نفر در کارگاه و حدود ۱۲ نفر هم‌زمان نصب درگیر این پروژه بودند. اسکندری که پیش از این نیز طرح‌هایی در مناطق مختلف شهر تهران داشته، درباره این پروژه بیان کرد: براساس موقعیتی که در تونل خروجی بزرگراه کردستان وجود داشت که فضایی شب‌گونه به ما می‌داد، تصمیم گرفتم در طراحی‌ها به سمت اجرای آسمان شب برویم. دوستان هم نام آن را «کهکشان راه شیری» گذاشتند. این بازیگر و هنرمند عرصه تجسمی ادامه داد: این اثر ترکیبی از فضای راز و فانتزی با موضوع اجرام آسمانی و صورفلکی است. در آنها از آیاتی که موضوعیت آسمان دارد مثل «لله نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» استفاده شده است. این کاشیکاری‌ها رنگ‌آمیزی متفاوتی دارند و زمینه غالب آن سرمه‌ای است. وی درباره پروژه خود گفت: من تراژ ۹۲۴ مترمربع طراحی شده و تلاشی که برای کیفیت کارهایش دارد، خاطر نشان کرد: آنچه کارگاه مرا از دیگر کارگاه‌ها متمایز می‌کند این است که تلاش می‌کنم کارم با کیفیت باشد و تا سال‌ها باقی بماند. این طراح و گرافیست در پایان با بیان اینکه بسیاری فکر می‌کنند اکثر نقاشی و کاشیکاری‌های دیواری‌های تهران به او تعلق دارد، گفت: این طرز فکر وجود دارد و بعضی هم به آن انتقاد کرده‌اند در حالی که مجموعه کارهایم به ۲ هزار متر هم نمی‌رسد.

«مادر قلب اتمی»

به پایان فیلمبرداری رسید

فیلمبرداری فیلم سینمایی «مادر قلب اتمی» به کارگردانی علی احمدزاده و تهیه‌کنندگی سیدامیر سیدزاده به تازگی به پایان رسیده است. آخرین سکانس این فیلم سینمایی در خیابان‌های تهران و با حضور محمدرضا گلزار و ترانه علیدوستی فیلمبرداری شد. به گزارش مهر، تدوین این فیلم سینمایی بلافاصله آغاز خواهد شد. ترانه علیدوستی، محمدرضا گلزار، پگاه آهنگرانی و مهرداد صدیقیان بازیگران اصلی «مادر قلب اتمی» هستند. داستان این فیلم با «مهمونی کامی» آغاز می‌شود که قصد دارد ایران را برای همیشه به مقصد تونس ترک کند. تمام صحنه‌های «مادر قلب اتمی» در تهران فیلمبرداری شده است.

وزیر، مشایخی را عمل کرد

جشید مشایخی چشمش را توسط وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی عمل کرد. این بازیگر در گفت‌وگو با ایسنا گفت: مدت‌ها بود چشم راستم آب‌روارید داشت که خوشبختانه توسط آقای هاشمی در بیمارستان نور عمل شد. چشم دیگرم هم مشکل دارد که آن را هم باید عمل کنم. مشایخی درباره آخرین فعالیت‌های هنری‌اش گفت: متأسفانه در سال جدید هیچ کاری انجام ندادم و پیشنهاداتی که می‌شود مناسب نیست.

بازتاب حماسه خرمشهر در سینمای مستند



همزمان با سالروز آزادسازی خرمشهر، مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی سازمان امور سینمایی کشور برنامه «حماسه خرمشهر در آیینه سینمای مستند» را در سالن سینماحقیقت این شهر برگزار خواهد کرد. در این برنامه که طی روزهای سوم و چهارم خرداد ماه ۱۳۹۲ و با مشارکت سازمان توسعه سینمایی سوره و بنیاد شهید و امور ایثارگران، در سالن «سینماحقیقت» این مرکز برگزار می‌شود، ۸ فیلم مستند با موضوع خرمشهر به نمایش عمومی درآمده و نشست‌های با موضوع بازتاب حماسه خرمشهر در سینمای مستند برگزار خواهد شد.



غلامرضا مقدم: پس از دهه ۶۰ میلادی سینما از کارکردهای هنری به مفهوم آرت فاصله گرفت و ماهیت ایدئولوژیکی به خود گرفت.

پس از دهه ۶۰ میلادی سینما از کارکردهای هنری به مفهوم آرت فاصله گرفت و ماهیت ایدئولوژیکی به خود گرفت. که سینما به عنوان ابزاری رسانه‌ای کارکردی صرفاً هنری نداشت بلکه هنر-صنعت-ایدئولوژیک خوانده می‌شد. البته تحلیل چنین نگرشی در میان سینماگران ما که پرچمدار شعار هنر برای هنر هستند کمی دشوار است و نمی‌شود درباره شکل سینمای مبتنی بر ایدئولوژی در دومین دهه از قرن بیست و یکم سخن گفت. تقریباً پس از پایان این دهه بود که جریانات ایدئولوژیک در قالب آثار سینمایی نمود پیدا کردند. سینما پس از دهه ۶۰ دوران کلاسیک و روایتگری براساس قصه‌هایی صرفاً انسانی (مبتنی بر علوم انسانی) را پشت سر گذاشت و سرگمراهی از طریق این هنر - صنعت جنبه‌های ایدئولوژیک‌تری به خود گرفت. پس از آغاز دوران جدی «سینمای ایدئولوژیک» اغلب هنرمندان، فیلمسازان و حتی منتقدان وابسته به «سینمای ایدئولوژیک» برای ارزیابی آثار سینمایی خود که اساساً اتکالی مکتبی با پشتوانه ایدئولوژیک داشت به دنبال آبرودادهای رقابتی جهانی می‌گشتند. بدین صورت جشنواره‌ها و آکادمی‌های فیلم تحت تاثیر این تغییر جهانی به محافل ایدئولوژیک‌تری بدل می‌شدند. طبیعی است برای اینکه ثابت کنیم جریان ایدئولوژیک پس از دهه ۶۰ میلادی جشنواره‌ها را تحت تاثیر قرار داده است ابتدا باید برای فرمالیستی‌های وطنی که کلمه داغ‌تر از آتش هستند ثابت کنیم جریان سینمای جهانی و جشنواره‌های جفت و بست ایدئولوژیک دارد. شبکه کابلی TCM (شبکه تخصصی بخش فیلم و نقد) برگزار کرد، اشاره شود. در این میزگرد بزرگان نقد و جمله دیوید بوردل، کریستین تامسون و راجر اوبرت فقید و مکتب نیویورکی‌ها از جمله وودی آلن، مارتین اسکورسیزی، جورج لوکاس و استیون اسپلبرگ کنار این ۳ منتقد بزرگ نشستند و جملاتی که استیون اسپلبرگ به زبان می‌آورد معادلات فرمالیستی‌های وطنی را که برداشت دیگری از سینما و جشنواره دارند برهم ریخت. اسپلبرگ سخنی بر زبان می‌آورد که ۳ کارگردان حاضر در این میزگرد در مقام تأیید سخنش بر می‌آیند. وی توضیح می‌دهد: جنبش سینمایی مکتب نیویورکی‌ها در جریان تولید هالیوودی بربرنگ شد به این دلیل که اعتقاد داشته و داریم که «درام» براساس ایدئولوژی شکل می‌گیرد. پس اگر آثار من ۳ کارگردان حاضر در این جمع را بررسی کنید در خواهید یافت برخلاف سنت‌های فرمالیستی اعم از اکسپرسیونیستی آلمانی، موج‌نوی فرانسه و نئورئالیسم، محتوای فیلم و جنبه‌های مفهومی و ایدئولوژیک اثر باید بر فرم غالب باشد. در ادامه این میزگرد وودی آلن در این جلسه به متلک در میان حرف اسپلبرگ می‌آید و می‌گوید: اگر سینما نبود من فرود می‌شدم. (تا به صورت شوخی روی سخنان اسپلبرگ صحه گذارد) اسپلبرگ در ادامه اشاره می‌کند: من و لوکاس فیلم‌های فضایی خود را براساس نگره‌های ایدئولوژیک تاز تجربه شده «ریک فوئدینگر» به مجموعه «کتاب خدایان» و «ارابه خدایان» که (یک جریان ایدئولوژیک ضد توحیدی را بنیان گذاشت) ساختیم. چون در دورای خاص من و لوکاس اعتقاد داشتیم آفریننده ما فرازمینی‌ها هستند و در آن دوران نگرش ما نسبت به وجود خداوند کاملاً نسبی و تا حدودی الحادی بود. این مثال کوتاه از محفل و جمعی سینمایی نشانگر این است که سینما در دوران معاصر اتکالی ایدئولوژیک دارد و هر جشنواره‌ای تثبیت‌کننده ایدئولوژیست‌هایی است که در قالب فیلمساز در آن حضور دارند. چون در این مقاله تصمیم داریم ریشه‌های ایدئولوژیک جشنواره‌ها در حال برگزاری است را بررسی کنیم تا به موجب این ریشه‌یابی اثبات کنیم ورود هر اثری از کشورمان به این جشنواره‌ها به معنی خورشرفی یا ایدئولوژی‌های متکثری مبتنی بر ایدئولوژی‌های دست‌ساز بشری است که سینما از آن بهره می‌برد برای تثبیت نگرش‌های ظاهراً مدرن بشری. از این رو اثبات می‌کنیم جشنواره‌هایی که تابلوی فرمالیستی دارند مانند کن، ونیز و برلین، کارکردی کاملاً ایدئولوژیک دارند. برای پی بردن به بطن ایدئولوژیک جشنواره سینمایی همچون کن که فستیوال ایدئولوژیک‌تری است کافی است آثار که در این جشنواره موفق شده‌اند جوایز مختلفی را دریافت کنند، بررسی کنیم تا بهانه جوایز ایدئولوژیک عیان‌تر شود. جشنواره فیلم کن از سال ۱۹۳۹ تا ۱۹۶۴ براساس نگره فرمالیستی جوایز خود را اهدا می‌کند اما زمانی که لیست جوایز جشنواره کن را می‌شکافیم دهه ۶۰ میلادی بررسی کنیم عیان‌تر می‌شود که سینما انتخاب اثر برگزیده بسته به نگرش‌های ایدئولوژیک متناسب با همان دوران است. از سوی دیگر بسیاری در کشور فرانسه معتقدند سینمای موج‌نو به این دلیل دوام نیابرد که سینمای کاملاً فرمالیستی در کشوری فلسفه‌زده که تعداد بیشماری فیلسوف در تاریخ خود دارد، غیرممکن است. مگر در کشوری که تعداد فیلسوفان سرشناسی که در آن زندگی می‌کردند از تعداد همه فیلمسازانش تا امروز بیشتر بوده، سینمای



موج‌نو، نئورئالیستی ایتالیایی و اکسپرسیونیستی آلمانی در اواسط قرن بیستم، فیلمسازان کشورهای مختلف به جریان ایدئولوژیک برآمده از هالیوود گرایش بیشتری پیدا کردند. با تغییر رویکردهای سینما و ورود سینمای ایدئولوژیک، جشنواره فیلم کن رویکردهایش را به سرعت تغییر داد و به صورت طبیعی آثاری که در دهه ۷۰ جایزه می‌گرفتند ریشه و اساس ایدئولوژیک داشتند. جشنواره کن در سال‌های نخست برگزار می‌شد. عدماتا به عنوان میزبان آثار هالیوودی شناخته می‌شد و فیلم‌های آمریکایی نظیر آدم اتحادیه اقیانوس آرام (سیسیل بی دویل، کارگردان ۱۰ فرمان)، بخورد کوشه (دیوید لین)، و مرد سوم (کارول ریو) جایزه می‌گرفتند و یکسکال در میان برآی خالی نبودن عریضه فیلم‌های فرانسوی و ایتالیایی جایزه را از آن خود می‌کردند. یعنی یکسکال، سینمای آمریکایی یا گرایش‌های روایی کلاسیک و سال دیگر آثار فرمالیستی و سبک و سیاق نئورئالیسم ایتالیایی و موج‌نوی فرانسوی موفق به اخذ جوایز مختلف می‌شدند.



موج‌نو با شکل‌گیری مبتنی بر فرم می‌تواند دوام بیاورد؟! آیا در کشور فلسفی و کاملاً ایدئولوژیک‌ی مثل فرانسه، رسوخ نگره‌های محتوایی سینمای فرمالیستی موج‌نو محلی از اعراب می‌تواند داشته باشد؟ براسی چرا چنین می‌شود؟! طبیعی است با مرگ سینمای یه دنبال آنرا مکتبی با پشتوانه ایدئولوژیک داشت

موج‌نو با شکل‌گیری مبتنی بر فرم می‌تواند دوام بیاورد؟! آیا در کشور فلسفی و کاملاً ایدئولوژیک‌ی مثل فرانسه، رسوخ نگره‌های محتوایی سینمای فرمالیستی موج‌نو محلی از اعراب می‌تواند داشته باشد؟ براسی چرا چنین می‌شود؟! طبیعی است با مرگ سینمای یه دنبال آنرا مکتبی با پشتوانه ایدئولوژیک داشت به دنبال آبرودادهای رقابتی جهانی می‌گشتند. بدین صورت جشنواره‌ها و آکادمی‌های فیلم تحت تاثیر این تغییر جهانی به محافل ایدئولوژیک‌تری بدل می‌شدند. طبیعی است برای اینکه ثابت کنیم جریان ایدئولوژیک پس از دهه ۶۰ میلادی جشنواره‌ها را تحت تاثیر قرار داده است ابتدا باید برای فرمالیستی‌های وطنی که کلمه داغ‌تر از آتش هستند ثابت کنیم جریان سینمای جهانی و جشنواره‌های جفت و بست ایدئولوژیک دارد. شبکه کابلی TCM (شبکه تخصصی بخش فیلم و نقد) برگزار کرد، اشاره شود. در این میزگرد بزرگان نقد و جمله دیوید بوردل، کریستین تامسون و راجر اوبرت فقید و مکتب نیویورکی‌ها از جمله وودی آلن، مارتین اسکورسیزی، جورج لوکاس و استیون اسپلبرگ کنار این ۳ منتقد بزرگ نشستند و جملاتی که استیون اسپلبرگ به زبان می‌آورد معادلات فرمالیستی‌های وطنی را که برداشت دیگری از سینما و جشنواره دارند برهم ریخت. اسپلبرگ سخنی بر زبان می‌آورد که ۳ کارگردان حاضر در این میزگرد در مقام تأیید سخنش بر می‌آیند. وی توضیح می‌دهد: جنبش سینمایی مکتب نیویورکی‌ها در جریان تولید هالیوودی بربرنگ شد به این دلیل که اعتقاد داشته و داریم که «درام» براساس ایدئولوژی شکل می‌گیرد. پس اگر آثار من ۳ کارگردان حاضر در این جمع را بررسی کنید در خواهید یافت برخلاف سنت‌های فرمالیستی اعم از اکسپرسیونیستی آلمانی، موج‌نوی فرانسه و نئورئالیسم، محتوای فیلم و جنبه‌های مفهومی و ایدئولوژیک اثر باید بر فرم غالب باشد. در ادامه این میزگرد وودی آلن در این جلسه به متلک در میان حرف اسپلبرگ می‌آید و می‌گوید: اگر سینما نبود من فرود می‌شدم. (تا به صورت شوخی روی سخنان اسپلبرگ صحه گذارد) اسپلبرگ در ادامه اشاره می‌کند: من و لوکاس فیلم‌های فضایی خود را براساس نگره‌های ایدئولوژیک تاز تجربه شده «ریک فوئدینگر» به مجموعه «کتاب خدایان» و «ارابه خدایان» که (یک جریان ایدئولوژیک ضد توحیدی را بنیان گذاشت) ساختیم. چون در دورای خاص من و لوکاس اعتقاد داشتیم آفریننده ما فرازمینی‌ها هستند و در آن دوران نگرش ما نسبت به وجود خداوند کاملاً نسبی و تا حدودی الحادی بود. این مثال کوتاه از محفل و جمعی سینمایی نشانگر این است که سینما در دوران معاصر اتکالی ایدئولوژیک دارد و هر جشنواره‌ای تثبیت‌کننده ایدئولوژیست‌هایی است که در قالب فیلمساز در آن حضور دارند. چون در این مقاله تصمیم داریم ریشه‌های ایدئولوژیک جشنواره‌ها در حال برگزاری است را بررسی کنیم تا به موجب این ریشه‌یابی اثبات کنیم ورود هر اثری از کشورمان به این جشنواره‌ها به معنی خورشرفی یا ایدئولوژی‌های متکثری مبتنی بر ایدئولوژی‌های دست‌ساز بشری است که سینما از آن بهره می‌برد برای تثبیت نگرش‌های ظاهراً مدرن بشری. از این رو اثبات می‌کنیم جشنواره‌هایی که تابلوی فرمالیستی دارند مانند کن، ونیز و برلین، کارکردی کاملاً ایدئولوژیک دارند. برای پی بردن به بطن ایدئولوژیک جشنواره سینمایی همچون کن که فستیوال ایدئولوژیک‌تری است کافی است آثار که در این جشنواره موفق شده‌اند جوایز مختلفی را دریافت کنند، بررسی کنیم تا بهانه جوایز ایدئولوژیک عیان‌تر شود. جشنواره فیلم کن از سال ۱۹۳۹ تا ۱۹۶۴ براساس نگره فرمالیستی جوایز خود را اهدا می‌کند اما زمانی که لیست جوایز جشنواره کن را می‌شکافیم دهه ۶۰ میلادی بررسی کنیم عیان‌تر می‌شود که سینما انتخاب اثر برگزیده بسته به نگرش‌های ایدئولوژیک متناسب با همان دوران است. از سوی دیگر بسیاری در کشور فرانسه معتقدند سینمای موج‌نو به این دلیل دوام نیابرد که سینمای کاملاً فرمالیستی در کشوری فلسفه‌زده که تعداد بیشماری فیلسوف در تاریخ خود دارد، غیرممکن است. مگر در کشوری که تعداد فیلسوفان سرشناسی که در آن زندگی می‌کردند از تعداد همه فیلمسازانش تا امروز بیشتر بوده، سینمای



بر اساس مناسبات سیاسی - ایدئولوژیک جوایز اصلی را دریافت می‌کردند. مگر می‌توانیم منکر شویم در دوران جنگ سرد عمدتاً فیلم‌های با نگرش‌های کاملاً چپ در جشنواره کن جایزه گرفتند. مگر می‌توانیم منکر شویم فیلمی مثل گمشده اثر کارگردان یونانی تبار سینما، کوستا گوارا، با نگره‌های چپ کمونیستی (درباره کودتای ژنرال پیئوشه در شیلی) در ۱۹۸۲ جایزه گرفت. در این دوره فیلم راه (YOL) یلماز گونی هم توانست تقریباً با مفاهیمی کاملاً کمونیستی جایزه جشنواره از آن خود کند. کن در قلب اروپا و با فاصله‌ای نه‌چندان از بلوک شرق جوایزش را عمدتاً به فیلم‌هایی کاملاً با رویکردهای چپ‌گرایانه سنتی اعطا می‌کرد. یلماز تقریباً یک هفته بود که از زندان‌های ترکیه آزاد شده بود و پس از مدتی آزادی به کن آمد و توانست جایزه این جشنواره را از آن خود کند. بازخوانی این موضوع عملکرد این جشنواره در قبال امثال جعفر پناهی را نشان می‌دهد. فیلمسازی که نگره‌های کاملاً ایدئولوژیکش در این جشنواره موفق به اخذ هیچ جایزه‌ای نشده اما پس از دستگیری محبوب جشنواره می‌شود و صندلی خالی برایش در نظر می‌گیرند.



بر اساس مناسبات سیاسی - ایدئولوژیک جوایز اصلی را دریافت می‌کردند. مگر می‌توانیم منکر شویم در دوران جنگ سرد عمدتاً فیلم‌های با نگرش‌های کاملاً چپ در جشنواره کن جایزه گرفتند. مگر می‌توانیم منکر شویم فیلمی مثل گمشده اثر کارگردان یونانی تبار سینما، کوستا گوارا، با نگره‌های چپ کمونیستی (درباره کودتای ژنرال پیئوشه در شیلی) در ۱۹۸۲ جایزه گرفت. در این دوره فیلم راه (YOL) یلماز گونی هم توانست تقریباً با مفاهیمی کاملاً کمونیستی جایزه جشنواره از آن خود کند. کن در قلب اروپا و با فاصله‌ای نه‌چندان از بلوک شرق جوایزش را عمدتاً به فیلم‌هایی کاملاً با رویکردهای چپ‌گرایانه سنتی اعطا می‌کرد. یلماز تقریباً یک هفته بود که از زندان‌های ترکیه آزاد شده بود و پس از مدتی آزادی به کن آمد و توانست جایزه این جشنواره را از آن خود کند. بازخوانی این موضوع عملکرد این جشنواره در قبال امثال جعفر پناهی را نشان می‌دهد. فیلمسازی که نگره‌های کاملاً ایدئولوژیکش در این جشنواره موفق به اخذ هیچ جایزه‌ای نشده اما پس از دستگیری محبوب جشنواره می‌شود و صندلی خالی برایش در نظر می‌گیرند.

بر اساس مناسبات سیاسی - ایدئولوژیک جوایز اصلی را دریافت می‌کردند. مگر می‌توانیم منکر شویم در دوران جنگ سرد عمدتاً فیلم‌های با نگرش‌های کاملاً چپ در جشنواره کن جایزه گرفتند. مگر می‌توانیم منکر شویم فیلمی مثل گمشده اثر کارگردان یونانی تبار سینما، کوستا گوارا، با نگره‌های چپ کمونیستی (درباره کودتای ژنرال پیئوشه در شیلی) در ۱۹۸۲ جایزه گرفت. در این دوره فیلم راه (YOL) یلماز گونی هم توانست تقریباً با مفاهیمی کاملاً کمونیستی جایزه جشنواره از آن خود کند. کن در قلب اروپا و با فاصله‌ای نه‌چندان از بلوک شرق جوایزش را عمدتاً به فیلم‌هایی کاملاً با رویکردهای چپ‌گرایانه سنتی اعطا می‌کرد. یلماز تقریباً یک هفته بود که از زندان‌های ترکیه آزاد شده بود و پس از مدتی آزادی به کن آمد و توانست جایزه این جشنواره را از آن خود کند. بازخوانی این موضوع عملکرد این جشنواره در قبال امثال جعفر پناهی را نشان می‌دهد. فیلمسازی که نگره‌های کاملاً ایدئولوژیکش در این جشنواره موفق به اخذ هیچ جایزه‌ای نشده اما پس از دستگیری محبوب جشنواره می‌شود و صندلی خالی برایش در نظر می‌گیرند.

جنگ با ادیان

فیلم بریتانیایی «لامورت مذهبی» ساخته «رولند جافه» که سال ۱۹۸۶ برنده نخل طلای کن شد، داستان یک عده از مسیحیان در قرن ۱۸ میلادی است که برای نجات قبیله‌ای بومی در آمریکای جنوبی در برابر خطرات قانون سرحداری در پرتغال تلاش فروانی می‌کنند. آیا می‌توان گفت رویکرد هیات انتخاب کن و مسیری که برای جایزه گرفتن این فیلم فراهم شده است، ایدئولوژیک نیست؟ آیا می‌توانیم در مواجهه با متن محتوایی این فیلم در دورانی که تکفیر مسیحیت مد ایدئولوژیک پیروان سارتر است، قابلیت‌های ایدئولوژیکش را رانی کرد؟

دهه ۹۰ و جوایز ایدئولوژیک آمیخته به نگره‌های فلسفی!

اما در دهه ۹۰ جوایز کن صورت ایدئولوژیک خود را تغییر می‌دهند و به اثری نخل طلاهدا می‌شود که براساس مکتب ایدئولوژیک برآمده از متن فیلسوفان فرانسوی ساخته می‌شوند. هیچگاه نمی‌توان منکر شد در تنها موردی که فیلمی از ایران موفق به اخذ جایزه اصلی این جشنواره شده (طعم گیلاس عباس کیارستمی) متن و محتوای اثر به این دلیل مورد تقدیس واقع می‌شود که فیلم کیارستمی بازتابی پوچرگرایانه از نگره‌های سارتری است. بلوغ ایدئولوژیک در جشنواره کن پس از سال ۲۰۰۰ شکل جدی‌تری به خود می‌گیرد. ارزیابی جوایز یک دهه اخیر می‌تواند بروز ایدئولوژیک این جشنواره را عیان‌تر کند.

عصر ایدئولوژیک‌تری در پیش است!؟

نگره‌های ایدئولوژیک آقای هانکه که به آقای فیلسوف در میان مطبوعات آمریکایی شهرت دارد با لحاظ کردن نگره‌های ایدئولوژیک و با مبنا قرار دادن رویکردهای اگزیستانسیالیستی موفق می‌شود در فاصله ۳ سال برنده ۲ نخل طلا شود؛ اولین بار برای فیلم «روبان سفید» در سال ۲۰۰۹ میلادی و آخرین بار سال گذشته هم‌زمان با برگزاری شصت و پنجمین دوره از رقابت‌های کن، برای فیلم «عشق». فیلمی که ۲ سال قبل برنده جایزه اسکار بهترین فیلم خارجی زبان نیز شد. فیلم عشق در واقع پیوندگاه ایدئولوژیک با فلسفه بومی فرانسوی مبتی بر اصالت وجود و رویکرد پوچرگرایانه به محتوای زندگی است. پرواض است که غلظت ایدئولوژیک این اثر چنان پررنگ است که فیلم دو جایزه معتبر را کسب می‌کند فارغ



از اینکه در داخل منتقدان شبه‌فرمالیستی از کشف جهان ایدئولوژیک فیلم غافلند و فرم شدت تلویزیونی فیلم را استایش می‌کنند در صورتی که روزنامه‌یونی معروف آمریکایی در ستایش از فیلم تیتز می‌زنند: زنده‌باد اگزیستانسیالیسم. اگر گفتیم و نوشتم که کن جشنواره‌های ایدئولوژیک است بر بیره گفتیم؛ یکی دیگر از فیلمسازانی که آثارش مورد لطف و تقد جشنواره کن قرار می‌گیرد ترنس مالیک است، «درخت زندگی» ساخته «ترنس مالیک» برای متجلی ساختن زیبایی‌شناسی، روانشناسی و ایمان دینی در پیوند با نظم ریاضی گونه ذهن لودویک ویتگنشتاین توجه جامعه سینمایی در کن را به خود جلب می‌کند. مالیک در پرسش‌های بنیادین فلسفی نه در معنا و مفاهیم انتزاعی بلکه به سمت مصالحی ایدئولوژیک رفته و در طرح پرسش‌های الحادی به زبان فرم نزدیک می‌شود و زبان را هم مبدأ و هم غایتی به حساب می‌آورد که معنا و بی‌معنایی واقعیت و غیرواقعیت، ممکن و غیرممکن - و را با آن ارزیابی می‌کند. مبدأ و غایت قادر دان زبان و سنجیدن و تفسیر همه چیز با ساختار زبان سبب می‌شود ترنس مالیک به دلیل به فرم نزدیک کردن ایدئولوژی، جایزه جشنواره کن را از آن خود کند.

از اینکه در داخل منتقدان شبه‌فرمالیستی از کشف جهان ایدئولوژیک فیلم غافلند و فرم شدت تلویزیونی فیلم را استایش می‌کنند در صورتی که روزنامه‌یونی معروف آمریکایی در ستایش از فیلم تیتز می‌زنند: زنده‌باد اگزیستانسیالیسم. اگر گفتیم و نوشتم که کن جشنواره‌های ایدئولوژیک است بر بیره گفتیم؛ یکی دیگر از فیلمسازانی که آثارش مورد لطف و تقد جشنواره کن قرار می‌گیرد ترنس مالیک است، «درخت زندگی» ساخته «ترنس مالیک» برای متجلی ساختن زیبایی‌شناسی، روانشناسی و ایمان دینی در پیوند با نظم ریاضی گونه ذهن لودویک ویتگنشتاین توجه جامعه سینمایی در کن را به خود جلب می‌کند. مالیک در پرسش‌های بنیادین فلسفی نه در معنا و مفاهیم انتزاعی بلکه به سمت مصالحی ایدئولوژیک رفته و در طرح پرسش‌های الحادی به زبان فرم نزدیک می‌شود و زبان را هم مبدأ و هم غایتی به حساب می‌آورد که معنا و بی‌معنایی واقعیت و غیرواقعیت، ممکن و غیرممکن - و را با آن ارزیابی می‌کند. مبدأ و غایت قادر دان زبان و سنجیدن و تفسیر همه چیز با ساختار زبان سبب می‌شود ترنس مالیک به دلیل به فرم نزدیک کردن ایدئولوژی، جایزه جشنواره کن را از آن خود کند.

■ «صوم بومنی که می‌تونه خاطرات زندگی گذشته‌اش را به یاد بیااره» از تایلند در سال ۲۰۱۰ بهترین فیلم بخش رقابتی معرفی شد. دلپیش کاملاً مشخص بود و تیم برتون، رئیس هیات داوران در حاشیه جشنواره فیلم کن اعلام می‌کند که به کنفوسیوسی‌ترین فیلم تاریخ سینما جایزه‌اهدا می‌کند.

■ در سال ۲۰۰۸ فیلم «کلاس» ساخته «لاورت کاتنه» نخل طلا را کسب کرد. فیلم به تعبیر بسیاری از تحلیلگران سینمایی راجع به ساختار نظم نوین جهانی تئوری‌هایش را در قالب داستانی اجتماعی ادا می‌کند.

■ فیلم «۴ ماه، ۳ هفته و ۲ روز» ساخته «کریستین مونتیگو» نخل طلا را در سال ۲۰۰۷ به دست آورد. طبیعتی است‌ایسم‌های متعدد غربی در قالب ایدئولوژی مکتب قدرتمند متجلی می‌شود و فیلم می‌تواند جایزه سال ۲۰۰۷ را از آن خود کند. فیلمی که مفهوم اصوات رحم‌رادر داستانی نه چندان پیچیده بررسی می‌کند و فنتیسم از جای‌جای آن می‌یابد.

■ «بادی که به مرغزار می‌وزد» به کارگردانی «کن لوچ» موفق به کسب نخل طلای ۲۰۰۶ شد. طبیعی است یک در میان گرایش‌های سیاسی جشنواره کن بروز می‌کند و این‌بار با رویکردی سیاسی و خاص به رادیکال‌ترین فیلم تاریخ سینما در باب تجزیه قدرت‌های جهانی جایزه می‌دهد.

■ ۲۰۰۵: در این سال «هچمه» ساخته برادران داردن بهترین فیلم معرفی شد. فیلمی که ریشه در مکتب و اخلاق «امانل لوپانس» دارد و برادران داردن جشنواره این فصل سینمایی را به دلیل بروز همین نگرش می‌پایند.

■ ۲۰۰۴: در این سال نخل طلا به فیلم «فارتاپت ۱۷۹» ساخته‌مایکل مور رسید. باز هم فیلمی رادیکال و سیاسی در باب مفهوم جادفادنگی قدرت‌های بزرگ از توده‌های مردمی جایزه سال ۲۰۰۴ را می‌گیرد.

■ ۲۰۰۳: فیلم «فیل» ساخته معروف «گاس ون سنتن» در این سال نخل طلا را گرفت، شونت(violence) مفهومی فلسفی است که در فلسفه قسر معنا می‌شود و در مقابل طبیعت به کار می‌رود. در طلیعی‌معانی دوتی نوع حرکت شناخته می‌شود؛ حرکت طبیعی(natural) و حرکت قسری(violent)، در واقع از نگاه فلسفی خونت شسبویای خلاف فرم و طبع است. (چه طبع انسانی، چه طبع جامعه انسانی). در فیلم فیل گاس ون سنتن، با تبیین‌های زیست‌شناختی اندیشمندانه‌ی مثل کرند، لورن یا زدنوند موریس این نگره بررسی می‌شود و ادعای فیلم این است که انسان‌ها ذاتاً پرخاشجو و خشن هستند در این خشونت‌ها ذاتی انسان‌ها و بخشی از گرایش آنها بر شمرد.

■ ۲۰۰۲: «بیانیست» ساخته رومن پولانسکی جایزه بهترین فیلم را گرفت؛ یک فیلم سیاسی رادیکال برای حل کردن جریان متفکر روزه گارودی در فرانسه و اروپا.

طبیعی است با بررسی دقیق‌تر مشخص می‌شود الگوی ایدئولوژیک جشنواره برای اهدای بهترین جایزه مشخص و واضح است و تصمیم‌گیری کلان سیاسی و ایدئولوژیک مفطعی و احساسی توسط گردانندگان جشنواره اتخاذ نمی‌شود. هر جشنواره الفی که در دنیا برگزار می‌شود، ایدئولوژی خاصی خود را دارد و امکان ندارد فیلمی که در کن جایزه می‌برد در برلین و ونیز موفق باشد چرا که طبق آنچه گفته شد جشنواره برلین به اثری که غیر سیاسی و ایدئولوژیک در نسبت با مکتب فرانکفورت نباشند جایزه‌ای اعطا نخواهد کرد. از همین رو است که امثال کیارستمی بهترین فیلم را گرفته‌یک فیلم سیاسی رادیکال برای حل کردن جریان متفکر روزه گارودی در فرانسه و اروپا.



حسین پرتوی درگذشت

خالق عکس معروف دیدار همافران با امام خمینی(ره) در جریان انقلاب ۵۷، دیروز یکشنبه (۲۸ اردیبهشت) در سن ۷۲ سالگی درگذشت. سیاهش پرتوی، فرزند آن مرحوم در گفت‌وگو با ایسنا اعلام کرد: حسین پرتوی که مدت‌ها در بستر بیماری بود، درگذشت. او افزود: مرحوم حسین پرتوی از دیروز(شنبه) در کما بود و امروز ضراب قلب و تنفس نداشت و اورژانس به منزل آن مرحوم آمده و دستگاه تنفس را قطع کرد. آن مرحوم سال‌ها از بیماری ALS رنج می‌برد.

حاشیه‌نگاری بی‌انصافانه از عدم حضور حاتمی کیا

عدمحضورابراهیم حاتمی کیا در اکران خصوصی فیلم سینمایی «چ» در مراسم قدرانی از شهدا و ایثارگران پیروان ادیان توحیدی، گلایه‌هایی به همراه داشت. در این مراسم که عصر روز پنجشنبه ۲۵ اردیبهشت در مجموعه فرهنگی شهدای انقلاب اسلامی تهران (سرچشمه) برگزار شد، برخی نمایندگان اقلیت‌های دینی مجلس اعتراض خود را ابراز کردند. این درحالی بود که قبلا از سوی کارگردان اعلام شده بود به دلیل مشغله نمی‌تواند در این مراسم حاضر شود اما حاشیه‌نگاری‌های زیادی در این باب از سوی برخی رسانه‌ها صورت گرفت. احسان محمدحسینی، مسئول سازمان هنری رسانه‌ای اوج در پیج این اخبار و حاشیه‌های مبتنی بر عدم حضور ابراهیم حاتمی کیا در مراسم نمایش فیلم «چ» و پاسداشت خانواده‌های معظم شهیدان و ایثارگران پیروان ادیان توحیدی در برخی رسانه‌ها با ارسال متنی به توضیحاتی در این باره پرداخت که متن آن در پی می‌آید: حدود ۱۰ روز قبل از برگزاری این مراسم، موضوع دعوت را با ایشان در میان گذاشتم، با وجود شوق و شغف متعهدانه‌ای که در چهره ایشان دیدم اما از همان ابتدا به دلیل مشغله‌های درم‌نیت‌مدشان در این روزها، برای حضور ابراز تردید کردند ولی با این حال مقرر شد برنامه‌های سخن‌شان را بررسی کنند و خبر دهند. پایان سخات کاری همان روز اعلام کردند که متأسفانه برخلاف میل باطنی‌شان که معمولاً به بازماندگان عزیز شهیدان، «نه» نمی‌گویند اما به دلیل همزمانی این مراسم با چند برنامه از قبل پیش‌بینی‌شده‌شان، به هیچ‌وجه امکان حضور ندارند. چون وابسته‌ای به دولت بنده بودم و از سوی دیگر عدم حضور حاتمی کیا اعلام شده بود و ایشان از این موضوع عذرخواهی کرده بودند به نظر می‌رسد جایی برای تحلیل و تفسیرهای عجیب و حاشیه‌نگاری‌های بی‌انصافانه باقی نمی‌گذارد.

پروانه نمایش ۳ فیلم صادر شد

در جلسه دوشنبه‌شب ۲۲ اردیبهشت ۹۲ مجوز نمایش ۳ فیلم «برف» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی مهدی رحمانی، «خانشوم» به تهیه‌کنندگی امیر سیدزاده و کارگردانی تینا پاکروان و «حق سکوت» به تهیه‌کنندگی رضامیر کریمی و کارگردانی هادی نائیچی صادر شد.

واکنش معاون پارلمانی وزیر ارشاد به رفتار اخیر لیلا حاتمی در کن

پس از انتشار عکس‌های زنده لیلا حاتمی در فضای مجازی از حضورش در جشنواره فیلم کن که اقدام به دیده‌بوسی و دست دادن با مردان حاضر در این جشنواره کرده است، معاون پارلمانی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی نسبت به این رفتار واکنش نشان داد و گفت: امیدوارم کسانی که به عنوان زن ایرانی در مجامع بین‌المللی شرکت می‌کنند به اعتبار، عفت و منزلت ایرانیان توجه داشته باشند تا چهره زن ایرانی در دنیا بد و خدشده‌نار نشان داده نشود. حسین نوش‌آبادی، معاون پارلمانی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی درباره رفتار اخیر هنرمند زن ایرانی در جشنواره کن گفت: حضور هنرمندان ایرانی در خارج از کشور اگر با رعایت شئونات اسلامی و احترام به فرهنگ ملت و اعتقادات ایران باشد، امری پسندیده است. اما اگر این حضور با بی‌توجهی به ارزش‌های جامعه و معیارهای اخلاقی ما باشد ملت ایران این رفتار را نمی‌پذیرد. او با بیان اینکه هنرمندان زن ایرانی، سمبل زنان ایرانی در خارج از ایران هستند، گفت: حضور نامناسب زنان ایرانی در خارج از کشور بویژه هنرمندان که مورد احترام مردم ما هستند از طرف ایرانی وطن‌پرست و علاقه‌مند به ایران مورد قبول نیست. معاون پارلمانی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ادامه داد: زن ایرانی چه هنرمند و چه غیرهنرمند همیشه مظهر عفت و پاکي بوده بنابراین اینگونه حضورهای نامناسب که اخیراً در جشنواره کن اتفاق افتاده همسو با اعتقادات دینی ما نیست. نوش‌آبادی گفت: امیدوارم کسانی که به عنوان ایرانی در مجامع بین‌المللی شرکت می‌کنند به اعتبار و منزلت ایرانیان توجه داشته باشند تا چهره زن ایرانی در دنیا بد و خدشده‌نار نشان داده نشود. او با اشاره به اینکه ملت ایران اگر هنرمندان را دوست دارند آنها نیز باید به این علاقه احترام بگذارند، گفت: احترام گذاشتن به مردم توسط هنرمندان یعنی قول داشتن باورها و خواسته‌های آنها، بنابراین هنرمندان باید به خواسته‌ها و معنویت مردم خود احترام بگذارند.